

## گزارش چهاردهم به مردم شریف ایران؛

### آزادسازی نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی از تسخیرشدگی، شرط نجات اقتصاد و سیل‌زدگان

حسین راغفر، احسان سلطانی ۱۳۹۸/۱/۲۳

سال ۱۳۹۷ اوج تسخیر دولت، مجلس و دستگاه قضایی توسط صاحبان قدرت و مکتت بود که ثروت خود را از غارت منابع طبیعی و زمین گرد آورده‌اند. اصلی‌ترین عامل این انباشت ثروت بادآورده و نابرابری‌های ظالمانه، سیاست‌های مصوب دولت و مجلس هستند. اما این غارت منابع عمومی و ثروت‌های بادآورده پیامدهای گسترده‌ای دارند که مهم‌ترین آنها فرسایش شدید اعتماد مردم به حاکمیت، و گسترش شدید احساس ناامنی و بی‌پناهی است که خود سبب فرسایش اخلاق عمومی، جرم و جرائم، اعتیاد، خودکشی، مهاجرت و فرار مغزها شده است. بزرگترین ماموریت حاکمیت در سال ۱۳۹۸ نجات نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی از یوغ صاحبان این سرمایه‌های بادآورده است که نه از تلاش، سخت‌کوشی، نوآوری و خلاقیت بلکه از زد و بند حاصل شده است، از ارتباط‌های انگلی-کسانی که نه از تلاش و کار بلکه از چسبیدن به منابع درآمدهای فروش منابع طبیعی ارتزاق می‌کنند. شرط لازم برای انجام اصلاحات، آزادسازی نظام تصمیم‌گیری از تسخیرشدگی ارباب قدرت و مکتت است.

در یازده ماه نخست سال ۱۳۹۷ معادل ۴۰ میلیارد دلار کالا بطور رسمی از کشور صادر می‌شود که بخش قابل ملاحظه‌ای از آن مایحتاج عمومی و کالاهای اساسی مردم است. این رقم شامل ارقام قاچاق نمی‌شود که مقادیر بی‌سابقه‌ای است که در اثر بی‌ارزش شدن پول ملی و ارزان شدن آن در مقابل پول کشورهای همسایه خروج کالا از مرزهای کشور را شتابی بی‌سابقه بخشید؛ و به همین دلیل مقادیر زیادی دام و محصولات کشاورزی از کشور قاچاق شد. نکته تکان‌دهنده که بخشی از ابعاد فاجعه کاهش دستوری و بی‌سابقه پول ملی در ایران را منعکس می‌کند این است که برای نخستین بار در طول تاریخ معاصر، از ایران به کشورهای افغانستان و پاکستان محصولات کشاورزی از قبیل پیاز، سیب‌زمینی و گندم به همراه دام، صادر و قاچاق می‌شود. در یازده ماه نخست سال ۱۳۹۷ معادل ۷۵۰ هزار تن پیاز و سیب‌زمینی به ارزش ۲۸۰ میلیون دلار صادر و همزمان ۳۳۰ میلیون دلار موز وارد کشور می‌شود! این همه هنر تدبیر در اثر نفوذ منتفعین این غارت‌ها و همکاری نظام تصمیم‌گیری‌های

اساسی مقدور شده است.

از ابتدای سال ۱۳۹۸، ۲۳ استان کشور درگیر بارندگی‌های شدید، سیلاب‌ها و طغیان رودخانه‌ها و سدها شده‌اند که تخریب‌های گسترده و بی‌سابقه‌ای را در پی داشته است و بسیاری را در شرایط بسیار اسفباری رها کرده است. این تخریب‌ها بیش از آن که نشانه قدرت طبیعت باشند نشانه‌های بارز ضعف نظام تدبیر است. حجم خسارت‌های وارده به خانه‌های مردم، مزارع، دام‌ها، تأسیسات عمومی، زیرساخت‌ها و جاده‌ها سنگین و گسترده است که میزان آن تا ۳۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. این میزان خسارت که در بودجه دولت پیش‌بینی نشده است، در حدود نصف بودجه عمرانی، ۶ درصد بودجه عمومی و کمتر از ۲ درصد بودجه کل کشور می‌باشد. راهکارهای پیشنهادی توسط نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی برای جبران خسارات و بازسازی مناطق سیل‌زده، تداوم سیاست‌های مالوف است؛ از سوی رئیس‌جمهور برداشت دومیلیارد یورو از منابع صندوق توسعه ملی، از سوی نمایندگان مجلس نیز برداشت از منابع صندوق توسعه ملی، و از سوی بانک مرکزی تامین منابع مالی از طریق تسهیلات بانکی در دستور کار قرار دارند.

دست بردن به منابع ارزی صندوق توسعه ملی یا ریالی سیستم بانکی، برای حل مشکلات کشور، هر دو ساده‌ترین اقدامات ابتدایی به شمار می‌روند که از عهده هر دولت ناکارآمدی بر می‌آید. ولی ضرورتاً ساده‌ترین روش‌ها بهترین آنها نیستند و چه بسا که خود موجب بروز مشکلات بزرگتری در آینده شوند، نکته‌ای که نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی همواره از آن غفلت کرده است. پرسش این است که آیا کشوری با این همه منابع و ثروت‌های طبیعی تا این حد دچار کمبود منابع است که برای جبران خسارات ناشی از بلایای طبیعی، دولت باید از سپرده‌های ارزی یا ریالی برداشت کند و در سوی دیگر چرا منافع ناشی از استخراج و فرآوری معادن و نفت و گاز که حق همه مردم است، به خزانه دولت واریز نمی‌شود و نظام مالیاتی ناتوان منابع کافی از غارتگران اخذ نمی‌کند تا فرصت رویارویی با بحران‌ها را تسهیل کند و نظام تصمیم‌گیری را از دست زدن به اقدامات مخرب کاهش دستوری ارزش پول ملی، فروش ده‌ها تن ذخایر شمش طلا، و استقراض از ذخایر ارزی کشور و چاپ پول باز دارند؟

### منافع کلان حاصل از رانت افزایش نرخ ارز در سال ۱۳۹۷

دولت با ایجاد بازار ثانویه ارز رسماً مجوز بیش از دو برابرسازی قیمت فروش محصولات واحدهای تولیدکننده فلزات اساسی و پتروشیمی و شیمیایی را صادر کرد، بی آن که در جهت افزایش بهای مواد خام و انرژی آنها اقدامات متناسبی انجام دهد. در نتیجه شوک ارزی سال ۱۳۹۷ و افزایش دستوری و تحمیلی نرخ ارز در اقتصاد ایران، بخش‌ها و گروه‌های متعددی از رانت افزایش نرخ ارز (و امواج تورمی) منفعت برده‌اند که در صدر آنها تولیدکنندگان و صادرکنندگان مواد خام و اولیه معدنی و صنعتی با هزینه (غالب) ریالی و فروش بر مبنای قیمت‌های دلاری قرار دارند. زنجیره معدنی و محصولات معدنی با ۱۰ میلیارد دلار صادرات و حدود دو برابر آن فروش داخلی، با دو برابر سازی قیمت‌های فروش داخلی یا صادراتی به ده‌ها هزار میلیارد تومان رانت جدید (علاوه بر رانت‌های قبلی) دست پیدا کرد.

بر اساس گزارش‌های رسمی مالی، مجموع سود (قبل از مالیات) فقط ۱۷ بنگاه صنعتی و معدنی شبه‌دولتی (خصوصی) بورسی در نه‌ماهه نخست سال ۱۳۹۷ به ۴۶۵ هزار میلیارد ریال بالغ گردید که پیش‌بینی می‌شود در کل سال ۱۳۹۷ به بیش از ۶۵۰ هزار میلیارد ریال رسیده باشد. مجموع سود این ۱۷ بنگاه در نه‌ماهه سال ۱۳۹۶ به میزان ۲۰۷ هزار میلیارد ریال بود که نسبت به مدت مشابه سال قبل، ۱۲۵ درصد افزایش یافت. در سال ۱۳۹۷، با وجود این که درآمد مردم و سود کسب و کارهای بخش خصوصی رشد قابل ملاحظه‌ای را تجربه نکرد، سود ۱۷ بنگاه صنعتی و معدنی خصوصی در نه‌ماهه سال ۱۳۹۷ نسبت به مدت مشابه در سال قبل از آن ۲۵۸ هزار میلیارد ریال افزایش پیدا کرد. میزان افزایش سود حقیقی (با تعدیل تورم) این بنگاه‌ها در نه‌ماهه اول سال ۱۳۹۷ نسبت به مدت مشابه در سال قبل از آن ۷۷ درصد محاسبه می‌شود. این حجم عظیم افزایش سود بنگاه‌های رانتی متکی به منابع ناشی از تثبیت (یا افزایش به نسبت پایین) هزینه‌های عملیاتی و تولیدی (دستمزد نیروی انسانی، حقوق دولتی، برق، انرژی، مواد خام معدنی و گاز و دیگر هزینه‌های ریالی) و در مقابل افزایش دو تا سه برابری قیمت‌های فروش در بازارهای داخلی یا خارجی است.

اغلب بنگاه‌های شبه خصوصی (خصوصی) رانتی معدنی/صنعتی که از کلیه مزایای بنگاه‌های خصوصی برخوردارند و در همین حال مستحضر به پشتیبانی کامل و همه‌جانبه دولت‌ها هستند، در واقع تحت نظر شبکه قدرتمندی از مدیران منصوب شده توسط بوروکرات‌ها و تکنوکرات‌ها (دولت) و سیاست‌مداران (مجلس و جناح‌های سیاسی)، اداره می‌شوند. در نتیجه شکل‌گیری یک سه‌ضلعی آهنین بین بنگاه‌های خصوصی، بوروکرات‌ها و سیاست‌مداران، این بنگاه‌ها به دور از هر گونه نظارت و با آزادی عمل کامل، بالاترین رانت‌ها و منافع را از اقتصاد کشور دریافت می‌کنند و کمترین عوارض و مالیات را به دولت می‌پردازند. با وجود کسب سودهای کلان، این بنگاه‌ها با همکاری لابی‌های خود در دولت و مجلس، مالیات ناچیزی می‌پردازند و زمانی هم که با زیان‌دهی مواجه می‌شوند دولت وظیفه دارد تا با اعطای منابع مالی مستقیم و غیرمستقیم از آنها حمایت کند و بار زیان آنها را به دوش مردم بیاندازد. اینها همه نتیجه اجرای سیاست‌های نئولیبرال سه دهه گذشته در کشور است که امروز به ثمر نشسته است و آن تامین منافع صاحبان قدرت بدون توجه به پیامدهای آن برای عموم مردم است.

سود بنگاه‌های خصوصی داخلی قابل مقایسه با بنگاه‌های مشابه در سطح جهان نیست و بسیار فراتر از آنها است، به عنوان مثال به رغم ابعاد، تولید و قدرت فناوری و دانش فنی به مراتب کمتر، سود عملیاتی شرکت فولاد مبارکه از بزرگترین گروه‌های فولادساز در کشورهای ژاپن، کره جنوبی، چین، آلمان و آمریکا در سال ۲۰۱۷ میلادی بیشتر بود. سود خالص سال ۱۳۹۶ پنج بنگاه بزرگ پتروشیمی شبه‌دولتی «نوری، جم، مارون، زاگرس و مبین» ۹۳ تریلیون ریال (۹۳۰۰ میلیارد تومان) اعلام شده است. نرخ مالیات پرداختی این پنج بنگاه پتروشیمی و فولاد مبارکه میزان ناچیز به ترتیب ۴ و ۱٫۳ درصد نسبت به سود خالص و درآمدهای عملیاتی آنها بود که نشان می‌دهد چگونه ساز و کار مالیاتی کشور در خدمت کسب منافع کلان توسط بخش خصوصی جهت‌گیری و تنظیم شده است.

مجموع سود حاصل از رانت افزایش نرخ ارز سال ۱۳۹۷، ۱۷ بنگاه صنعتی و معدنی خصوصی به میزان بیش از ۳۵ هزار میلیارد تومان، به تنهایی می‌تواند جبران‌کننده همه خسارات ناشی از بارندگی‌های شدید و سیلاب‌های سال جاری باشد. مجموع سود

این ۱۷ بنگاه در سال ۱۳۹۷ که از رانت منابع خام و انرژی ارزان متعلق به مردم حاصل شده است، بالغ بر ۶۵ هزار میلیارد تومان می‌باشد که قابل مقایسه با بودجه رفاهی کشور (۷۴ هزار میلیارد تومان) و بیش از کل یارانه نقدی سالانه پرداختی به مردم (۴۲ هزار میلیارد تومان)، کل بودجه استان‌ها (۲۴ هزار میلیارد تومان)، بودجه امور آموزش و پژوهش (۵۰ هزار میلیارد تومان)، بودجه امور دفاعی و امنیتی (۴۳ هزار میلیارد تومان) و بودجه امور سلامت (۲۰ هزار میلیارد تومان) است. در شرایطی که افزایش سود ناشی از رانت افزایش نرخ ارز فقط ۱۷ بنگاه بزرگ معدنی/صنعتی رانتی به بیش از ۳۵ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۷ بالغ می‌گردد، روشن است که فقط از محل رانت افزایش نرخ ارز چه منافع عظیمی عاید بخش‌های معدنی و فلزات اساسی و پتروشیمی و دیگر صنایع متکی به رانت انرژی و منابع شده است که حجم آن حدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. بنابراین مشکل اداره کشور کمبود منابع نیست، بلکه تکثر و تنوع توزیع انواع رانت‌ها در بین بنگاه‌های شبه‌دولتی خصوصی و همچنین بنگاه‌های شبه‌خصوصی وابستگان به جناح‌های قدرت است. بازگشت رانت‌های ناشی از افزایش نرخ ارز (واقعی‌سازی قیمت نهاده‌های مواد خام و انرژی متناسب با قیمت‌های فروش) سال ۱۳۹۷ نه تنها تکافوی بازسازی مناطق سیل‌زده و جبران خسارات سیل‌زدگان را می‌کند که منابع مالی کافی (به جای افزایش نرخ ارز یا استقراض) برای اداره کشور در شرایط تحریمی را فراهم می‌سازد.

بنابراین توصیه می‌شود جهت تامین مالی برای بازسازی و جبران خسارات مخاطرات طبیعی و بحران‌های اقتصادی-اجتماعی پیش رو و همچنین تامین منابع مالی لازم جهت اداره کشور (و اجتناب از توسل به شیوه‌های مالوف استقراض و افزایش نرخ ارز)، راهکارهای زیر دنبال شوند:

(۱) اخذ مابه‌التفاوت حاصل از افزایش قیمت‌ها (نسبت به افزایش قیمت نهاده‌های مواد خام، آب و انرژی) از کلیه بنگاه‌های صنعتی - معدنی در سال ۱۳۹۷؛

(۲) اخذ مالیات از درآمدهای کلان حاصل از سفته‌بازی، دلالی و رانت افزایش نرخ ارز در سال ۱۳۹۷؛

(۳) افزایش قیمت مواد خام و انرژی و آب مصرفی صنایع انرژی‌بر و متکی به رانت منابع، متناسب با افزایش بهای قیمت فروش محصولات آنها در بازارهای داخلی یا صادراتی و افزایش بهره مالکانه و حقوق دولتی معادن در حد و اندازه منافع اقتصادی حاصله؛

(۴) لغو معافیت‌های مالیاتی خاص بنگاه‌های شبه‌دولتی و شبه‌خصوصی سودده (به ویژه در بورس) که منجر به برقراری شرایط رقابت ناعادلانه بین بنگاه‌های بزرگ شبه‌دولتی و بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط بخش خصوصی واقعی و در سوی دیگر فرار مالیاتی گسترده شده است؛

(۵) لغو معافیت‌های مالیاتی صادرات مواد خام و اولیه؛

(۶) بکارگیری همه ابزارهای دسترس و به خصوص فناوری‌های جدید و کنترل تراکنش‌های بانکی جهت اخذ مالیات از کلیه فعالیت‌های سفته‌بازی و دلالی، مستغلات، سود سپرده‌های بانکی، عایدی سرمایه و دیگر منافع کلان و فعالیت‌های نامولد و

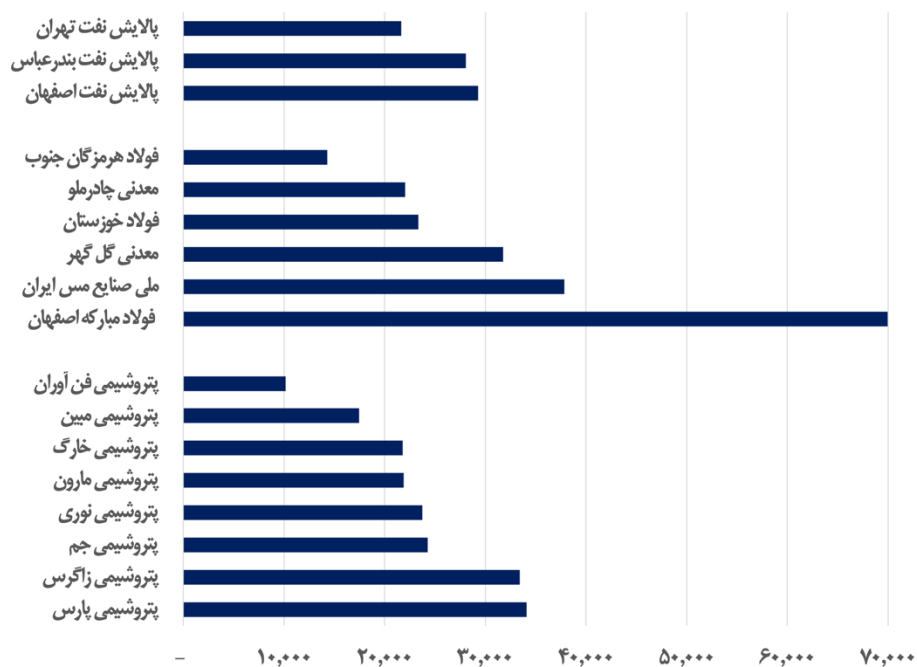
همچنین بخش‌های معاف از مالیات؛

علاوه بر منابع مالی حاصل از بازگشت منافع حاصل از افزایش نرخ ارز بنگاه‌های معدنی-صنعتی، (۱) اختصاص بخش قابل توجهی از بودجه عمرانی، (۲) صرفه‌جویی در بودجه عمومی و بودجه شرکت‌های دولتی (۲ درصد صرفه‌جویی معادل ۳۵ هزار میلیارد تومان خواهد بود)، (۳) ارائه تسهیلات بانکی (از محل منابع موجود و نه استقراض از بانک مرکزی یا خلق پول) و (۴) منابع مالی بنگاه‌های صنعتی منطقه، کمک‌های مردمی و مشارکت نهادهای ثروتمند مانند آستان قدس رضوی و بنیاد مستضعفان در تامین هزینه‌های خسارات و بازسازی مناطق سیل‌زده کار رسیدگی به مشکلات مردم را تسهیل و تسریع می‌کنند.

سود نه‌ماهه قبل از مالیات ۱۷ بنگاه صنعتی و معدنی بورسی (هزار میلیارد ریال)						
ردیف	نام بنگاه	سود ۱۳۹۶ (ه م ریال)	سود ۱۳۹۷ (ه م ریال)	افزایش سود (ه م ریال)	نرخ افزایش سود (اسمی)	نرخ افزایش سود (حقیقی)
۱	پتروشیمی پارس	۱۵,۶۶۵	۳۴,۰۸۴	۱۸,۴۱۹	۱۱۸٪	۷۱٪
۲	پتروشیمی جم	۱۵,۸۸۲	۲۴,۲۸۲	۸,۴۰۰	۵۳٪	۲۰٪
۳	پتروشیمی زاگرس	۱۰,۹۳۹	۳۳,۴۴۲	۲۲,۵۰۴	۲۰۶٪	۱۴۱٪
۴	پتروشیمی خارک	۵,۸۶۲	۲۱,۸۰۸	۱۵,۹۴۶	۲۷۲٪	۱۹۳٪
۵	پتروشیمی فن‌آوران	۴,۰۴۲	۱۰,۱۷۵	۶,۱۳۳	۱۵۲٪	۹۸٪
۶	پتروشیمی مارون	۱۵,۳۴۴	۲۱,۹۰۵	۶,۵۶۱	۴۳٪	۱۲٪
۷	پتروشیمی مبین	۹,۸۴۲	۱۷,۴۵۱	۷,۶۰۹	۷۷٪	۴۰٪
۸	پتروشیمی نوری	۷,۸۲۴	۲۳,۷۳۱	۱۵,۹۰۶	۲۰۳٪	۱۳۹٪
۹	فولاد مبارکه اصفهان	۳۶,۸۰۳	۶۹,۹۲۹	۳۳,۱۲۵	۹۰٪	۵۰٪
۱۰	فولاد خوزستان	۱۰,۶۴۳	۲۳,۳۵۷	۱۲,۷۱۴	۱۱۹٪	۷۳٪
۱۱	معدنی و صنعتی گل‌گهر	۱۳,۰۳۳	۳۱,۷۶۵	۱۸,۷۳۲	۱۴۴٪	۹۲٪
۱۲	معدنی و صنعتی چادرملو	۷,۰۰۷	۲۲,۰۳۰	۱۵,۰۲۳	۲۱۴٪	۱۴۸٪
۱۳	ملی صنایع مس ایران	۱۷,۲۶۳	۳۷,۸۲۷	۲۰,۵۶۴	۱۱۹٪	۷۳٪
۱۴	فولاد هرمزگان جنوب	۱,۹۶۰	۱۴,۲۹۸	۱۲,۳۳۸	۶۲۹٪	۴۷۴٪
۱۵	پالایش نفت اصفهان	۱۳,۰۰۹	۲۹,۲۸۶	۱۶,۲۷۷	۱۲۵٪	۷۷٪
۱۶	پالایش نفت تهران	۹,۴۰۸	۲۱,۶۲۶	۱۲,۲۱۹	۱۳۰٪	۸۱٪
۱۷	پالایش نفت بندرعباس	۱۲,۳۴۹	۲۸,۰۷۱	۱۵,۷۲۱	۱۲۷٪	۷۹٪
	مجموع سود نه‌ماهه ۱۷ بنگاه	۲۰۶,۸۷۵	۴۶۵,۰۶۵	۲۵۸,۱۹۰	۱۲۵٪	۷۷٪
	برآورد سود یک‌ساله	۲۸۹,۶۲۵	۶۵۱,۰۹۱	۳۶۱,۴۶۶	-	-

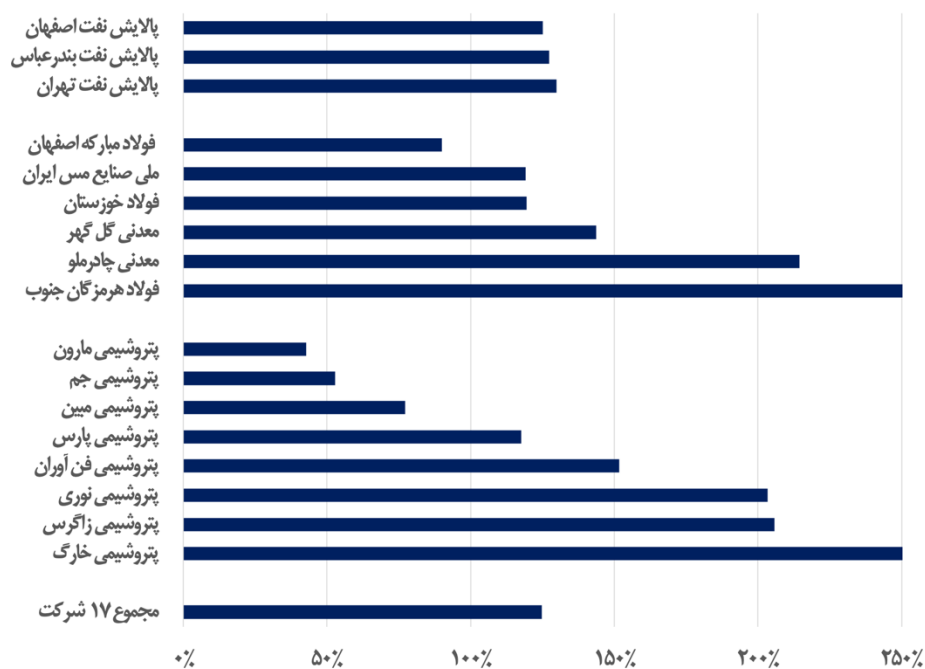
مرجع داده‌ها: گزارش‌های مالی رسمی بنگاه‌ها

سود (برآوردی قبل از مالیات) ۱۷ بنگاه صنعتی و معدنی بورسی در سال ۱۳۹۷ (هزار میلیارد ریال)

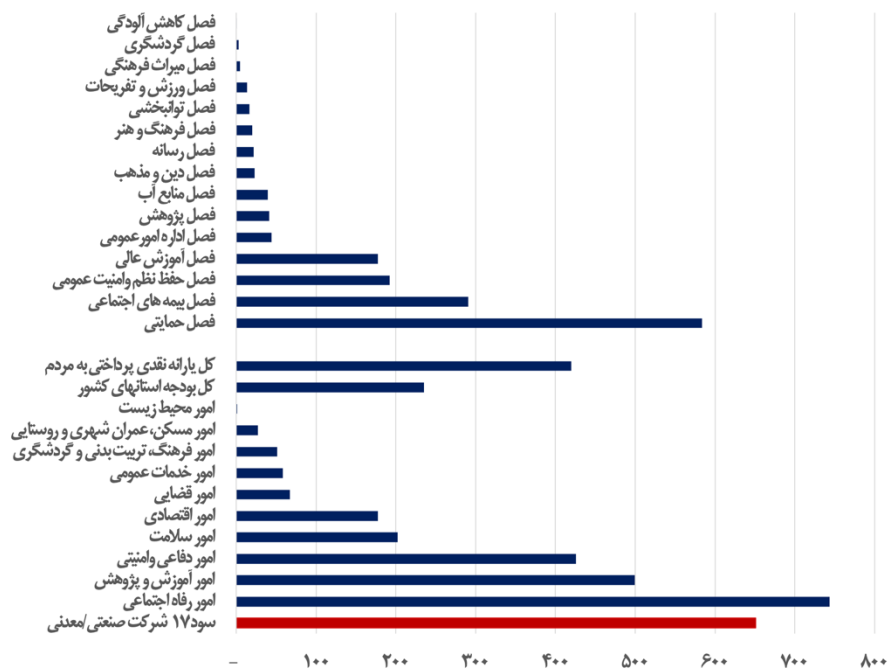


مرجع داده‌ها: گزارش‌های مالی رسمی بنگاه‌ها

میزان افزایش سود ۱۷ بنگاه صنعتی و معدنی بورسی در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۹۶



### مقایسه هزینه‌های دولت و سود ۱۷ بنگاه صنعتی و معدنی بورسی در سال ۱۳۹۷ (هزار میلیارد ریال)



مرجع داده‌ها: بودجه مصوب سال ۱۳۹۷ دولت و گزارش‌های مالی رسمی بنگاه‌ها